

## اصول اساسی مدیریت اقتصاد خانواده (راهنمایی برای خانوارها)

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری\*

### مقدمه

خانواده، جایگاه و محل سیر انسان به سوی کمالات است و هیچ پایگاهی همچون خانواده نمی‌تواند چنین نقش تکامل بخش و انسان‌سازی داشته باشد. انسان برای رشد و تعالی به آرامش روحی، جسمی و عاطفی نیاز دارد و این همه در خانواده تأمین می‌شود.

یکی از موضوعاتی که به شدت با نقش‌ها و مسئولیت‌های در خانه و خانواده مرتبط است، موضوع اقتصاد خانواده و معیشت آن است. نهاد خانواده از ابتدای خلقت، در جایگاه یک موضوع مهم در فرهنگ‌های مختلف جالب توجه بوده است. در متون دینی نیز روایت‌های بسیاری به اهمیت کسب درآمد و نیز هزینه درست آن توصیه کرده‌اند؛ از جمله پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، کسب حلال را جزء رکنین عبادت معرفی می‌کنند: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ؛<sup>۱</sup> عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به‌دست آوردن روزی حلال است».

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایتی دیگر، کسب حلال را زمینه‌ساز مغفرت گناهانی بیان می‌کند که با نماز و صدقه بخشیده نمی‌شود: «إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكَفِّرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يُكَفِّرُهَا؟ قَالَ الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ؛<sup>۲</sup> بعضی از گناهان به وسیله نماز و صدقه هم آمرزیده نمی‌شوند. پرسیده شد یا رسول‌الله، پس چه چیز موجب آمرزش آن است؟ فرمود:

\* کارشناس ارشد روانشناسی مثبت‌گرا و دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی.

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۳.

سختکوشی و تلاش در طلب معیشت».

به طور طبیعی هر خانواده‌ای دوست دارد بهترین نوع غذا را مصرف کند، زیباترین لباس‌ها را برای اعضای خود تهیه کند، در بهترین نقطه شهر و منزل زندگی کند، بهترین وسایل و امکانات را در اختیار داشته باشد، همواره به سفر برود، بهترین آموزش‌ها را برای فرزندان خود فراهم کند و...؛ اما در واقع چیز دیگری حادث می‌شود. واقعیت این است که گرچه این درخواست‌ها در همه خانواده‌ها مطرح می‌شود، روشن است که درصد کمی از خانواده‌ها توانایی تأمین این خواسته‌ها را دارند. درحقیقت درآمد یک خانواده متوسط فقط می‌تواند تعداد محدودی از این خواسته‌ها را برآورده کند؛ از این رو خانواده باید از میان خواسته‌های خود با توجه به اهمیت انتخاب کند. بر همین اساس باید معیشت خود را بر اساس محاسبات درست برنامه‌ریزی کند تا هزینه‌های زندگی به‌خوبی تأمین شود و خانواده از فقر دور گردد.

امام محمدباقر علیه السلام درباره لزوم عقل معاش و تدبیر معیشت فرمودند: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ ثَلَاثُهُ التَّقِيُّ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛<sup>۱</sup> کمال واقعی، فهم و دریافت دین است و صبر و پایداری در برابر بلا و گرفتاری و ارزیابی مخارج زندگی».

بر اساس این روایت، نهایت درجه کمال هر انسانی بر سه اصل استوار است:

اول: تقفه در دین؛ یعنی معرفت دینی خود را افزایش دهد؛

دوم: صبر بر مصیبت‌ها؛ زندگی دنیا همراه با مصیبت است و هیچ‌کسی نمی‌تواند بگوید من مصیبتی ندارم؛

سوم: تقدیر در معیشت؛ یعنی شخص معیشت و اقتصاد خود را تدبیر و اندازه‌گیری کند و به فکر راهکار باشد.

### اقتصاد خانواده (تدبیر منزل)

اقتصاد که در زبان لاتین به آن Economy گفته می‌شود، از دو کلمه یونانی ائیکو (oiko) به معنای خانه و نوموس یا نمین (Nemein) به معنای اداره و نظم تشکیل شده است. واژه ائیکونومیا، همان

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ج ۱، ص ۲۷۳؛ میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۵۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

تدبیر منزل یا حکمت منزلی ارسطو است.<sup>۱</sup> حکمت از نظر ارسطو و پیروان او به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت عملی شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن است. موضوع تدبیر منزل، تنظیم امور خانه و معاش خانواده است. رساله‌ای به نام «تدبیر منزل» منتسب به ارسطو به دست آمده است. دلیل استفاده از این کلمه در یونان قدیم این بود که در آنجا مثل دیگر جوامع ابتدایی، خانه و خانواده مرکز فعالیت اقتصادی بوده است.

اقتصاد خانواده را می‌توان یکی از مباحث مهم در اقتصاد ملی دانست که به سهم خویش، نقش بی‌بدیلی در ارتقای سطح کمی و کیفی اقتصاد در سطح ملی ایفا می‌کند.<sup>۲</sup> در یک تعریف کوتاه می‌توان اقتصاد خانواده را تخصیص منابع محدود دست‌یافتنی به مهم‌ترین نیازها و خواسته‌های خانواده تعریف کرد.

منظور از «منابع» در این تعریف، همان مبادی و راه‌های درآمدی خانواده است که طبیعتاً محدود، اما دست‌یافتنی است و نیازها همان مسائل متعددی است که بقا و شالوده خانواده به ارضای آنها بستگی دارد؛ به طور کلی نیازهای اولیه و ثانویه خانواده را در بر می‌گیرد. سرپرست خانواده با در نظر گرفتن درآمد محدود و وجود نیازهای اساسی، باید بهترین ترکیب را در میزان هزینه‌ها به وجود آورد و از درآمد حاصل، بهره‌برداری بهینه کند.

امروزه شیوه مدیریت اقتصادی خانواده‌ها، بخش عمده‌ای از هویت آنان را شکل می‌دهد و رونق و شکوفایی اقتصادی، رشد و ترقی خانواده را در پی خواهد داشت.

با یک مثال ساده می‌توان تعریف تدبیر منزل یا تقدیر معیشت را روشن‌تر کرد: هر یک از ما در جایگاه مصرف‌کننده بر اساس برنامه خصوصی یا بدون برنامه قبلی، برای برآورده شدن نیازهای روزانه زندگی خانوادگی، اقدام به خرید کالا و خدمات می‌کنیم.

فرد مسلمان و عاقل با الگوی مصرف ایرانی را فرض کنید که درآمد ماهانه وی ده میلیون تومان است. رفتار اقتصادی او را می‌توان در دو سناریو بررسی کرد:

**سناریوی اول:** رفتار او در جایگاه مصرف‌کننده: وی ابتدای هر ماه مبلغ پیش‌گفته را دریافت و اقدام به خرید نیازهای زندگی خود و خانواده می‌کند.

۱. زهرا افشاری، اقتصاد خانواده، ص ۲.

۲. محمدرضا باقری، «نقش زنان در اقتصاد خانواده»، ص ۸۹.

سناریوی دوم: رفتار او در جایگاه تولیدکننده؛ وی مبلغ پیش‌گفته را با عنوان درآمد از فعالیت اقتصادی معینی کسب می‌کند. در سناریوی اول قدری تصمیم‌گیری برای خرید و هزینه‌کردن درآمد ماهانه فرد نمونه تجزیه و تحلیل می‌شود و حرکت این تصمیم‌گیری کاسته می‌شود تا با آن بیشتر آشنا شویم. در سناریوی دوم تصمیم‌گیری فرد نمونه برای سرمایه‌گذاری منابع در فعالیت تولیدی بررسی می‌گردد.

به طور طبیعی فرد در مرحله اول، نیازهای خود را به سه طبقه بسیار ضروری، ضروری و دیگر نیازها رتبه‌بندی می‌کند. برخی نیازها امکان تأخیرناختن آنها به ماه دیگر ممکن نیست که این نوع به نیازهای بسیار ضروری تعریف می‌شود؛ برای مثال هزینه‌های مربوط به آب، برق، تلفن و گاز و اجاره منزل مسکونی رهنی به مبلغ پنج میلیون تومان است که به طور طبیعی تأخیر در پرداخت این وجوه برای فرد و خانواده مشکل‌آفرین است؛ در نتیجه او این مبلغ از درآمد ماهانه خود را باید به نیازهای بسیار ضروری تخصیص دهد و سپس درباره باقی‌مانده درآمد خود قدرت تصمیم‌گیری دارد. به عبارت دیگر، او باید بین نیازهای متعدد زندگی به مقدار مبلغ محدود باقی‌مانده اقدام به انتخاب کند.

در مرتبه دوم ذهن فرد متوجه ارضای نیازهای ضروری می‌شود. وی نیازهای ضروری را به مواد غذایی، لباس و پوشاک، تربیت فرزندان، وسایل و خدمات فرهنگی، کالاها و خدمات تقویت‌کننده و بُعد معنوی و روحی (مانند سفرهای زیارتی)، طبقه‌بندی و رتبه‌بندی می‌کند. به طور طبیعی وی به دلیل محدودبودن مبلغ باقی‌مانده از درآمد خود، نمی‌تواند همه نیازهای باقی‌مانده را ارضا کند؛ بنابراین به ناچار بین این دسته از نیازهای طبقه‌بندی شده، باید انتخاب کند.

انتخاب، نیاز به طبقه‌بندی و رتبه‌بندی گزینه‌ها، نیاز به ارزش‌یابی دارد؛ پس او ابتدا باید هر یک از نیازها را ارزش‌یابی کند، رتبه‌بندی و سپس دست به انتخاب می‌زند.

فرض کنید او ابتدا تصمیم می‌گیرد به بازار کالای مواد غذایی برود و اقدام به تأمین نیازهای مواد غذایی کند. در این مرحله، با یک گروه کالا مواجه می‌شود که بین مواد غذایی گوشت، حبوبات، سبزیجات، و... وجود دارد. در الگوی مصرف ایرانی مقداری گوشت وجود دارد که برای مصرف خانواده و مهمان مورد نیاز است؛ از این رو تصمیم می‌گیرد مقداری گوشت فراهم کند. دوباره مشاهده می‌کند گوشت به دو قسم سفید و قرمز طبقه‌بندی می‌شود؛ فرض کنید

توصیه‌های پزشکی و تبلیغات، تمایل او را به گوشت سفید بیشتر کرده است، در نتیجه وارد بازار گوشت سفید می‌شود و مشاهده می‌کند چند نوع گوشت سفید مثل مرغ، ماهی، میگو و... در بازار وجود دارد؛ او با نگاه به انواع گوشت سفید، مقدار تمایل خود را به آنها را بررسی می‌کند و بین آنها مقایسه انجام می‌دهد. به فرض، در ذهن او ارزش ماهی از مرغ و میگو بیشتر است؛ به عبارت دیگر، «ارزش نسبی ذهنی» ماهی در تمایلات او بیش از مرغ، میگو و بقیه است؛ یعنی از ماهی رضایت خاطر بیشتری در برابر اقلام گوشت سفید نصیب او می‌شود؛ بنابراین تصمیم به خرید ماهی می‌گیرد. اما مشاهده می‌کند انواع ماهی در بازار وجود دارد که با مشاهده انواع ماهی، تمایل خویش را بررسی می‌کند و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌نماید؛ برای مثال با نگاه به تمایلات خود مشاهده می‌کند ماهی سفید برای او رضایت خاطر بیشتری فراهم می‌کند. پس از این ارزش‌یابی و مقایسه، تصمیم به خرید می‌گیرد؛ ولی به سرعت محدودیت درآمد او به وی پیام می‌دهد «به چه قیمتی؟»، از قیمت آن پیرس. او از قیمت می‌پرسد که مثلاً هر کیلو ۱۸۰ هزار تومان است؛ اما فرد گرچه به خرید ماهی سفید تمایل دارد، ولی توانایی هم شرط است. در نتیجه محدودیت درآمد او وی را وادار می‌کند از قیمت آن ماهی‌هایی که به طور نسبی به آنها تمایل دارد، اطلاعات به دست آورد. بر این اساس، قیمت آنها را می‌پرسد و بهای هر یک را با دیگری مقایسه و قیمت‌های نسبی آنها را به دست می‌آورد. به عبارت دیگر، ارزش نسبی عینی (خارجی) آنها را محاسبه می‌کند. پس از این دو نوع ارزش‌یابی، برای مثال سه کیلو ماهی آزاد خریداری و در سبد کالای موردنیاز خود قرار می‌دهد. او اکنون بخشی از درآمد خود را هزینه کرده است و اقدام به انتخاب یک نوع کالا (ماهی آزاد) و یک مقدار (سه کیلو) کرده است. به همین ترتیب در خرید گوشت قرمز، حبوبات، پوشاک، لوازم فرهنگی و... ابتدا کالاها را «طبقه‌بندی» و «رتبه‌بندی» می‌کند و با توجه به تمایلات شخصی خود «ارزش نسبی ذهنی» (تمایلات نسبی) آنها را محاسبه، سپس با توجه به درآمد خود «ارزش عینی خارجی» (قیمت بازاری نسبی) آنها را به دست می‌آورد و سرانجام، دست به انتخاب می‌زند. به همین شیوه و جوه باقی‌مانده را خرج می‌کند و می‌کوشد نیازهای خود را «به بهترین وجه ممکن ارضا کند» یا درآمد خود را «به بهترین وجه تخصیص دهد».

#### نکات به‌دست‌آمده از مثال

با تجزیه و تحلیل رفتار مصرفی این فرد می‌توان نکات زیر را به طور خلاصه بیان کرد:

۱. فرد بر اساس سلیقه و تمایل خود به خرید کالا اقدام می‌کند؛ در نتیجه کالایی را که به آن تمایل ندارد، در مواردی حتی اگر رایگان هم باشد، خریداری یا تهیه نمی‌کند.
۲. کالاهایی که به آنها مایل دارد را با یکدیگر مقایسه می‌کند و «ارزش نسبی ذهنی» آنها را به دست می‌آورد.
۳. اگر از قبل از قیمت کالایی که در طبقه‌بندی بالا ارزش نسبی ذهنی آن بیشتر است، آگاهی ندارد، اقدام به کسب اطلاع از «قیمت» آن می‌کند.
۴. قیمت کالایی که تمایل بیشتری به آن پیدا کرده است را با دیگر کالاها مقایسه می‌کند و «ارزش نسبی عینی خارجی» آن را به دست می‌آورد.
۵. بر اساس دو معیار بالا، کالاها را ارزشیابی می‌کند.
۶. «نوع» و «مقدار» کالایی را که بیشترین رضایت‌مندی برای او فراهم می‌سازد، «انتخاب» و خریداری می‌کند.
۷. مبانی اعتقادی و ارزش‌ها از طریق هر دو نوع ارزشیابی ذهنی و عینی در رفتار انسان عقلایی تأثیر می‌گذارد.

### دلیل سخن گفتن از اقتصاد خانواده

از آنجاکه نهاد خانواده نهادی است که نیازمندی‌های آن نیازمندی‌های جامعه، موفقیت آن موفقیت جامعه، مشکلات آن مشکلات جامعه، حل مشکلات آن حل مشکلات جامعه و در یک کلام خانواده نمادی از جامعه یا جامعه‌ای در ابعاد کوچک با هدف تربیت توحیدی است و اقتصاد بخش مهمی از مسائل یک جامعه است، باید بدان توجه کرد و این توجه باید از ساختار خانواده شروع شود. خانواده‌هایی که میانه‌روی را سرلوحه حرکت‌های اقتصادی خود قرار دهند، می‌توانند جامعه مطلوب اقتصادی را شکل دهند؛ در سوی دیگر جامعه‌ای که خانواده‌ها در آن به فکر تجملات و فخرفروشی‌های اقتصادی هستند، جامعه‌ای معیوب به لحاظ اقتصاد و... را شکل خواهند داد.

در جامعه‌ای که اقتصاد مقاومتی یک سیاست کلان‌کشوری به شمار می‌آید، باید آن را از نهاد خانواده شروع کرد؛ بدین معنا که خانواده باید پیام‌رسان چگونگی شیوه‌های اقتصاد مقاومتی را در خود و اعضای خود نهادینه کند و با پیوستن به این جهاد بسیار مهم، نقش خود را در موفقیت

کلان‌کشورش ایفا کند. اگر این الگو در کشور پیاده می‌شد و خانواده‌ها شیوه‌ی تقدیر معیشت خود را بر اساس الگوی صحیح و به دور از اسراف می‌آموختند، امروزه می‌توانستیم مدعی اقتصاد مطلوب تراز باشیم؛ ولی آنچه امروز می‌بینیم، بسیار با آن مطلوب فاصله دارد.

### مسائل مورد بحث در اقتصاد خانواده

پرسش‌هایی که مباحث «اقتصاد خانواده» به دنبال پاسخ‌گویی بدان‌هاست، عبارت‌اند از:

۱. منظور از خانواده چیست؟ چرا از تخصیص بهینه منابع در خانواده یا اقتصاد خانواده بحث می‌کنیم؟
۲. معنای تدبیر منزل یا تدبیر اقتصاد خانواده چیست؟
۳. چرا باید اقتصاد خانواده را تدبیر کرد؟
۴. سرپرست خانواده یا مدیر خانواده چگونه منابع را تخصیص دهد؟
۵. انسان مرکب از دو ساحت جسم و روح است؛ آیا منابع و درآمد خانواده تنها باید به نیازهای جسم او اختصاص پیدا کند؟ چگونه در اقتصاد خانواده در تخصیص منابع بین منافع دنیا و آخرت جمع کنیم؟
۶. چگونه درآمد کسب کنیم؟
۷. چگونه بهره‌وری اقتصاد منزل را ارتقا دهیم؟
۸. دولت چه مسئولیتی در قبال اقتصاد خانواده دارد؟
۹. خانواده‌های ثروتمند در برابر خانواده‌های فقیر چه مسئولیتی دارند؟ الگوی مناسب ایجاد و جریان درآمد بین خانواده‌ها چیست؟

### راهکارهای پیشنهادی برای دوام و قوام اقتصاد خانواده

#### ۱. برنامه‌ریزی برای آینده اقتصاد خانواده

بی‌شک برنامه‌ریزی برای آینده زندگی در تمامی خانواده‌ها مطرح است. در درون یک مدل سیستمی اقتصاد خانواده، خانواده و اقتصاد آن را نمی‌توان از هم مجزا کرد؛ بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه‌ریزی می‌شود، به‌ناچار دیگری نیز مدنظر قرار می‌گیرد. توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد. این کار برای تمام اعضای خانواده مفید خواهد بود که می‌توان جلسات خانوادگی را روی این

موارد متمرکز کرد.

آینده‌نگری موجب می‌شود انسان همه درآمد خود را یک‌جا هزینه نکند، بلکه آینده را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، بخشی از درآمدش را پس‌انداز کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوَّتَهَا اسْتَقْرَّتْ»<sup>۱</sup> آدمی هرگاه وسایل زندگی‌اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد».

همچنین آن حضرت در پاسخ گروهی از صوفیان که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند، به پس‌انداز سلمان برای زندگی سالیانه خود در جایگاه یک زاهد نمونه که الگوی مصرف اسلامی را رعایت می‌کرد، اشاره می‌فرماید.<sup>۲</sup>

نکته درخور نگرش این است که توصیه روایات در اختصاص دادن بخشی از درآمد به پس‌انداز، این نیست که پول نقد پس‌انداز شود و به گونه‌ای سبب افزایش نقدینگی در جامعه گردد، بلکه با تأکید بر اصلاح و ساماندهی مال و بهره‌وری از آن، مردم به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف تولیدی و تجاری تشویق شده‌اند؛ تا آنجا که ساماندهی ثروت، بخشی از ایمان دانسته شده است: «إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ»<sup>۳</sup> نگهداری نیکو از مال، نشانه ایمان است».

## ۲. انجام مشاوره‌های اقتصادی

گاهی برخی خانواده‌ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند یا با مسائل و مشکلاتی روبرو می‌شوند که به‌تنهایی از عهده آنان بر نمی‌آیند. امروزه منابع و مراجع بسیاری با موضوع اقتصاد خانواده وجود دارد؛ بنابراین برگ برنده برای خانواده، شناخت مرجع شایسته و مراجعه به آن و کسب مشاوره صحیح است. از منابع بالقوه اطلاعات و مشاوره می‌توان به دوستان و آشنایان، اقوام، اعضای خانواده، همکاران شغلی و... اشاره کرد.

## ۳. افزایش سطح دانش اقتصادی خانواده

ابتدایی‌ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی و به‌روزماندن، کتاب‌ها و نشریات است.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۳۶۱۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۸، ح ۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۸۷، ح ۳؛ شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۳۶۱۷.



ارائه آموزش‌های لازم به فرزندان و ارتقای سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می‌تواند زمینه خوبی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی باشد.

به مسئله دانش اقتصادی اعضای خانواده در برخی کشورها تأکید شده است و برای همه خانواده‌ها امری ضروری به شمار می‌رود. اگر سواد مالی خانواده‌ها افزایش پیدا کند، زندگی آنها به ثبات بهتری می‌رسد؛ در نتیجه می‌دانند چطور هزینه‌های مالی و دیگر موارد را مدیریت کنند. همچنین با استفاده از سواد مالی می‌توانند در بازارهای مالی و دیگر بازارها سرمایه‌گذاری کنند و وضع زندگی خود را بهبود بخشند. بنابراین، هدف اصلی از سواد مالی، رسیدن به امنیت مالی است.

در یک کلمه می‌توان گفت سواد مالی یعنی توانایی درک مباحث مالی، بودجه‌بندی و سرمایه‌گذاری صحیح آن.

#### ۴. روحیه همکاری بین اعضای خانواده

تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همچنین اولویت‌بندی نیازهای اقتصادی، سبب تقویت و سلامت اقتصاد خانواده می‌شود. در یک خانواده به عنوان یک سیستم پویا، همه اعضا باید در حل مشکلات و ارتقای تحکیم خانواده تلاش کنند؛ از این‌رو لازم است همکاری درستی بین اعضای خانواده انجام گیرد. مثال ساده آن را می‌توان در لباس‌ها و وسایل آموزشی هر کدام از فرزندان بیان کرد. وقتی لباس فرزند بزرگ‌تر دیگر مناسب و هم‌سایز او نیست، می‌توان به فرزند دیگر انتقال داد تا او استفاده کند. برخی فرزندان به دلیل اینکه آن لباس نو نیست، از پذیرش آن خودداری می‌کنند؛ در حالی که همکاری بین اعضای خانواده در این مثال‌ها می‌تواند کاربرد داشته باشد و در حل برخی از مشکلات کارگشایی کند.

#### آسیب‌های نداشتن مدیریت اقتصاد خانواده

آشنابودن با مدیریت اقتصادی، ضررهای زیادی را به دنبال دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. از بین رفتن منابع و امکانات: نبود مدیریت صحیح اقتصادی خانواده، منجر به استفاده نادرست و ناکارآمد از منابع محدود می‌شود؛ به طوری که امکانات موجود خانواده به درستی بهره‌برداری نمی‌شوند و به هدر می‌روند.

۲. از بین رفتن دارایی‌ها و سرمایه‌های خانواده: بی‌توجهی به اصول مدیریت مالی در خانواده، سبب مصرف دارایی‌ها در روش‌های ناپایدار می‌شوند؛ در نتیجه افراد و خانواده‌ها با کاهش ارزش دارایی‌های خود مواجه شوند.

۳. افزایش فقر: نقص در مدیریت اقتصادی خانواده، زمینه‌ساز تخصیص نیافتن صحیح منابع می‌شود که در نهایت به افزایش فقر و نابرابری اجتماعی منجر می‌شود و جمعیت‌های آسیب‌پذیر را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد.

۴. کاهش سلامت روان خانواده: مدیریت نادرست مالی، استرس و اضطراب را در اعضای خانواده افزایش می‌دهد که به نوبه خود بر سلامت روان آنها تأثیر منفی می‌گذارد و سبب بروز اختلالات روانی در اعضا و در نهایت آسیب به آرامش موجود در خانواده می‌گردد.

۵. کاهش سلامت جسمانی: فشارهای مالی و اقتصادی، زمینه‌ساز انتخاب‌های نادرست در سبک زندگی می‌شود و افراد را از توجه به نیازهای سلامت جسم‌شان باز می‌دارد که می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد.

۶. ضعیف شدن ارتباط با کودکان: توجه نکردن به مدیریت اقتصادی، زمان و انرژی والدین را کاهش می‌دهد که نتیجه آن، کاهش تعاملات سازنده با فرزندان و تضعیف روابط خانوادگی است.

۷. از بین رفتن کانون خانواده: فشارهای مالی و مشکلات اقتصادی، تنش‌ها و درگیری‌های بین اعضای خانواده را افزایش می‌دهند و کانون خانواده را به حدی آسیب‌پذیر می‌کنند که ممکن است به جدایی و ازهم‌پاشیدگی منجر شود.

### نقش زنان در اقتصاد خانواده

زن به طور طبیعی در مقام مادر و همسر، مسئولیت تربیت نسل و فرزند را بر عهده دارد؛ از این رو وظایف پراهمیتی در خانواده بر دوش اوست. از جمله این وظایف می‌توان به مدیریت اقتصادی خانواده اشاره کرد که با همکاری با همسر انجام می‌پذیرد.

امروزه بانوان در دو حیطه درآمد و کنترل مصرف خانواده، نقش اساسی دارند. مرحله اول - کسب درآمد و تولید - دارای چند بخش است؛ از جمله اشتغال بانوان که یا در کسوت سرپرست خانواده یا مکمل مرد برای هدایت مدیریت اقتصادی خانواده می‌کوشد و چنانچه ارثی به او

رسیده باشد و حتی از نفقه و مهریه خود صادقانه برای رشد و تعالی فرزندان بهره می‌برد. در مرحله دوم - مدیریت مصرف - بانوان توانمند و متفکر با برنامه‌ریزی صحیح و تدبیر فراوان می‌دانند که سرمایه خانواده را در کجا، چگونه و چگونه مصرف کنند تا افزون بر برطرف کردن نیازهای خود و فرزندان، بخشی را نیز برای روزهای نیاز پس‌انداز کنند. مدیریت صحیح بانوان در اقتصاد خانواده، چنان اصولی و برنامه‌ریزی شده انجام می‌پذیرد که همان درآمد اندک خانواده را برای اموری همچون تحصیل فرزندان، تفریحات، زیارات و حتی انفاق استفاده می‌کنند و همه این امور به توانایی زنان متفکر و مؤمن باز می‌گردد که برکت و معنویات را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهند.<sup>۱</sup>

### جایگاه فرزندان در اقتصاد خانواده

نقش کودکان و فرزندان در جایگاه یکی از مصرف‌کنندگان عمده در خانواده‌ها از یک‌سو و نیز جایگاه آنان در آتیه اقتصاد خانواده‌ها از سوی دیگر، لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می‌کند. با رهبری صحیح و به‌جا در اقتصاد خانواده، ویژگی‌هایی نظیر جمع‌گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه‌جویی، مسئولیت‌پذیری و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می‌یابد. هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبودها و محدودیت‌های اقتصادی خانواده‌ها، می‌تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت‌نگری آنان نقش مهمی ایفا کند.

### کتاب‌نامه

۱. افشاری، زهرا، اقتصاد خانواده، تهران: الزهراء، ۱۳۸۰ ش.
  ۲. باقری، محمدرضا، «نقش زنان در اقتصاد خانواده»، فصلنامه جمعیت، ش ۹۷-۹۸، ۱۳۹۵ ش.
  ۳. حرانی، ابن‌شعبه، تحف العقول، ترجمه: بهراد جعفری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
  ۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته
- 
۱. اعظم یکتاپور فرد، «مهارت زنان در مدیریت اقتصاد خانواده»، همایش بین‌المللی حکمرانی اخلاق و معنویت، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج)، ۱۴۰۰.

- به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۷. یکتاپور فرد، اعظم، «مهارت زنان در مدیریت اقتصاد خانواده»، همایش بین المللی حکمرانی اخلاق و معنویت، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی علیه السلام، ۱۴۰۰ ش.